

## عکس روز: ایام سوگواری تاسوعا و عاشورای حسینی را تسلیت عرض می کنیم

شعبه

مهرداد سلطانیپور  
م. عطاریاشی

**زدا: از تفکر شعبه محور به سوی سرویس محور حرکت خواهیم کرد**  
**عطاریاشی:** یعنی قراره تمام شعبه ها رو چیکار کنن؟!

**با حضور دکتر مهدی درخشان ۶ استان تفاهمنامه خوشرویی امضا کردند**  
**عطاریاشی:** مراجعه کننده: آقا چرا کار مارو راه نمی ندازین؟! کارمند: ببین عزیز من، درسته که ما تازه تفاهمنامه «خوشرویی» رو امضا کردیم، ولی به کاری نکن که اون تفاهمنامه «ترشرویی» م بالا بیاد!

**پاسخ مدیران استان ها به یک پرسش «تأمین»:** ارزیابی شما از طرح شناسایی مدیران آینده چیست؟

**عطاریاشی:** یک مدیر جدید: به نظرم این طرح هول هولکی نباید اجرا شه! کم کمش باید چهار پنج سال با دقت شناسایی ها انجام شه تا به امید خدا بعد از شش هفت سال یواش یواش مدیران آینده رو جایگزین کنیم! البته ناگفته پیداست که اون موقع مدیر هفت ساله به چیز دیگه س!

**مدیرکل استان قم: ۲۰۰ میلیارد تومان از کارفرمایان طلبکاریم**  
**عطاریاشی:** کارفرمایان: اینکه چیزی نیست. با حذف چهار صفر از پول ملی میشه ۲۰ میلیون تومن ناقابل! فقط خواهشا موقع خواندن مبلغ، لباتون رو غنچه کنید!

**با اینترنت انشیا تمام انشیا به هم متصل می شوند**  
**عطاریاشی:** پس بگو چرا چند وقتیه که تا کولر خونه رو روشن می کنیم فیوز می پره! تو نگو اینترنت انشیا داریم و خودمون هم خبر نداریم!

**خدمات الکترونیک همبستگی سازمانی ایجاد می کند**  
**عطاریاشی:** البته به جز سیستم های «دیدگاه» و «گام» و «his» و «newsmis» و... که فعلا گسستگی سازمانی ایجاد کردن!

**مدیرکل دفتر اجتماعی استانداری همدان: باید در حوزه توریسیم درمانی کشورهای آسیای میانه را هدف قرار دهیم**  
**عطاریاشی:** به قول شاعر: خرج که از کیسه درمان بود / مدیرکل اجتماعی شدن آسان بود!

فراخوان

هفتهنامه تأمین در نظر دارد در راستای تعامل دوطرفه و توجه به نظرات و پیشنهادهای مختلف همکاران، ستونی را با عنوان «نیم نگاه» در نظر گیرد. از این رو، همکاران بازنشسته و شاغل در بخش های مختلف سازمان می توانند نظرات، پیشنهادهای و نقدهای خود در خصوص موضوعات مختلف مرتبط با سازمان تأمین اجتماعی را برای ما به آدرس taminweekly@gmail.com ارسال کنند. بدیهی است به مطالب بدون نام و نام خانوادگی و محل کار نویسنده، ترتیب اثر داده نخواهد شد. البته مطالب در صورت لزوم با اطلاع نویسنده، با امضاء محفوظ منتشر خواهد شد.



## وقایع اتفاقیه تأمین اجتماعی (۴)

### مستمری مظفرالدین شاه برای خاندان ناصرالدین شاه (قسمت دوم)

واقعیت هایی دارد که کمتر کسی به آن پرداخته است: «... این زن های بدبخت بی شوهر با هزاران داد و اندوه، از محل عزت و استراحت خود کناره کرده، تمام خارج شدند (از حرمسرا بیرون رفتند)»... او در ادامه از وضعیت دردناک خود، مادر و خواهرانش که فرزندان شاه بودند به رنج می نویسد که خود نشان از سختی هایی دارد که در آن زمان آن دختران بی پناه و یتیم حرمسرا با آن مواجه شدند.

#### ■ زنان اولاددار شاه ناصری در حیات «سروستان»

تاج السلطنه نوشته است: «... خانم هایی که دارای اولاد بودند، چند نفری بیشتر نبودند: مادر من، مادر یمین الدوله، مادر عز السلطنه، مادر قدرت السلطنه، مادر شرف السلطنه بود. من و فرح السلطنه، عزیز السلطنه، شرف السلطنه، عز السلطنه و قدرت آن زمان کوچک بودیم. بزرگترین ما ۱۳ سال نداشت و دو برادر کوچک هم داشتیم. حیات سروستان را تقسیم و ما را مانند اسیر و محبوس به آنها حیاها منزل دادند. ما خواهرها هر روز دور هم جمع می شدیم و تمام وقت مشغول گریه و دلتنگی بودیم. اغلب از مادرهایمان، پدرمان را می خواستیم.»

#### ■ آغاز جشن تاجگذاری و دختران بی پدر

مراسم جشن سلطنت مظفرالدین شاه آغاز می شود و زنانی که از حرمسرای ناصرالدین شاه باقی مانده بودند، باید خواسته و ناخواسته به این جشن می رفتند. تاج السلطنه این طور از آن شب روایت کرده است: «امشب، اول شبی است که پس از مرگ پدر، دوباره آن خانه مسکونی زمان پدر را می بینم. خواهر بیچاره من «فرح السلطنه» که یک سال از من بزرگتر و دختر عاقل و تربیت شده و تحصیل کرده ای بود، با من خیلی مأنوس و مهربان بود. دست به دست هم داده و این خواهرهای کوچک، برادرهای کوچک بی پدر خود را جلو انداخته، در عقب خواجه شروع به رفتن کردیم. در هر دقیقه من و این خواهر بزرگ زانو زده، دست به گردن یکدیگر انداخته گریه می کردیم...»

اما ابدان نمی شد فکر کرد که این سلطان باشد. به قدری باحیا، خجالت کش و به قدری مظلوم بود که سخت ترین دل ها برای او کباب می شد...»

#### ■ همدردی ولیعهد با زنان حرمسرا

مظفرالدین شاه روز بعد از ورودش به تهران به اندرونی رفته و تمام زن های حرمسرا را با مهربانی بسیاری تسلیت و تعزیت گفت. حرمسرای که زنانش با شنیدن خبر آمدن شاه جدید بیشتر از قبل دچار ناله و گریه و زاری شده بودند؛ چراکه می دانستند دیگری خبری از الطاف شاهانه ناصرالدین شاه و قربان صدقه های او نیست. دیگر خبری از میهمانی های شبانه و دور هم نشستن ها و عیش و نوش و تفریح نیست و بی خبری از دنیای بیرون این قصر.

#### ■ دستور خارج کردن زن ها از حرمسرا!

بالاخره بعد از یک هفته از طرف شاه جدید، مظفرالدین شاه به حرمسرا اعلام شد که خانم ها هر چه دارند مال خودشان و از اندرون خارج شوند. جز خانم هایی که اولاد دارند و آنها را بفرستند به حیات معروف به «سروستان» که منزل «منیر السلطنه» یکی از زنان ناصرالدین شاه و البته مادر «نایب السلطنه کامران میرزا» بود. «منیر السلطنه» جدای از ثروت بسیارش که البته بیشتر آنها را وقف کرد، از زنان خوش شانس دربار بود؛ چراکه چهارمین فرزندش «کامران میرزا» محبوبیت زیادی نزد شاه ناصری پیدا کرد. این محبوبیت به حدی رسید که اگر منیر السلطنه فقط دختر یک نفر از معمارباشیان قدیم نبود، پسرش به ولایتعهدی منصوب می شد و جای مظفرالدین شاه را می گرفت. اما اصل و نسب معمولی این زن، پسرش را به مقام نایب السلطنگی رساند!

#### ■ حال و روز زنان حرمسرا از زبان «تاج السلطنه»

روایت حال و روز زنان حرمسرا از زبان دختر شاه یعنی تاج السلطنه طور دیگری است که نشان از



حسن فرازمنند  
روزنامه نگار، پژوهشگر و شاعر

در این آشفته بازار که رجال مملکت از همین صدراعظم گرفته تا مابقی وزرا پیگیر کارهای ورود ولیعهد یعنی پسر چهل ساله شاه ناصری «مظفرالدین میرزا» به پایتخت بودند، حرمسرا و زنان آشفته حال جز مویه و زاری کاری نداشتند تا روزی که به حرمسرا خبر ورود سلطان جدید رسید؛ سلطانی که با آمدنش به تهران و نشستن بر تخت سلطنت قاجار زندگی تمام این زنان را به سوی مسیری دیگر رقم زد.

«مظفرالدین میرزا» پس از انتخاب شدن به ولیعهدی طبق رسوم قاجار که از زمان «فتحعلی شاه» معمول بود، به پایتخت دوم ایران، تبریز فرستاده شد. از دوران اقامت مظفرالدین میرزا در تبریز چیز زیادی گزارش نشده است؛ مگر آنکه به روایت بیشتر تاریخ نویسان مشروطه، مردان ناشایست اطرافش را گرفته بودند و سبب شدند که ساده دل و کم سواد بار بیاید.

او نزدیک به چهل سال در شهر تبریز زندگی کرد تا اینکه پس از کشته شدن پدرش ناصرالدین شاه در ۴۴ سالگی به سلطنت رسید. از زمان کشته شدن ناصرالدین شاه تا جلوس مظفرالدین شاه به تخت سلطنت، چهل روز به طول انجامید و طی این مدت همان طور که گفته شده (امین السلطان) صدراعظم ناصرالدین شاه اداره امور کشور را به دست داشت.

#### ■ روایت خواهر از شخصیت شاه برادر

تاج السلطنه درباره شخصیت مظفرالدین شاه اینطور در خاطراتش آورده است: «... این برادر عزیز من، خیلی ساده و پاکدل، خیلی مهربان و رؤوف بود. خانواده اش منحصر به هفت نفر زن بود و چند نفر اولاد... این برادر بیچاره من خلق شده بود برای اینکه پدر خوبی باشد، رییس فامیل محجوبی باشد.